

فرهنگ یاری در آبیاری

مرتضی فرهادی

مقدمه:

«بساری» و «باریگری» از ویژگیهای جوامع سنتی است. جامعه سنتی ما نیز در گذشته و حال، در موارد گوناگون، برای مقابله با دشواریهای زندگی به چنین راه‌حلهایی نیازمند بوده و هست.

فقر اقتصادی، فقدان امنیت و خشونت طبیعت (شرایط اقلیمی و جغرافیایی دشوار) از سوی فرهنگ «باری دوست» و پراخت اسلامی و ایرانی از سوی دیگر، در طول زمان، مردم ما، بویژه روستائیان و کوچ‌نشینان ما را هر چه بیشتر به هم وابسته کرده است.

برخورد سازنده و هشیارانه با این دشواریها، چه در زمینه تولید و چه در زمینه مبارزه با طبیعت، و سایر عرصه‌های اجتماعی، به آفرینش شکل‌های بسیار متنوع و سازگاری از «باریگری»ها و تعاونیهای سنتی، در جامعه ایرانی ما انجامیده است.^۱

مناسفانه گسل‌ها و گسستگی‌های فرهنگی و بی‌آمدهای ناشی از آن، جامعه ما را از فیض بتانسیل فرهنگ بومی محروم ساخته است.

منظور نگارنده از «بتانسیل فرهنگی» تمامی انباشته‌های تجربی، بافت‌ها و منظومه‌های فرهنگی قابل سرایت و بهره‌برداری از موفقیت‌های پیشین به موقعیت‌های

مشابه نوین می‌باشد.

«انتقال مثبت»^۲ همچنان که در یادگیری فردی می‌تواند مفید واقع شود، «انتقال مثبت فرهنگی» بسته به میزان ظرفیت و «بتانسیل فرهنگی» می‌تواند نتایج شگفت‌آوری داشته باشد.

«باریگریها» و «تعاونیهای سنتی» می‌تواند مورد استفاده پژوهندگان و دانشجویان رشته‌های گوناگون دانش اجتماعی، همچون تاریخ اقتصاد، جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی روستائی، و ایلی ایران، مردم‌شناسی، مردم‌شناسی اقتصادی و زبان‌شناسی و غیره قرار گیرد.

اضافه بر این کاربردهای دانشگاهی که نهایتاً فایده آنها چیزی جز فایده دانش نیست اینگونه مطالعات می‌تواند، در مسائل جاری و ضروری جامعه، کاربردهای عملی نیز داشته باشد. همچون برنامه‌ریزیهای کشاورزی ایلی و بویژه تعاونی در بهینه‌کشور و مناطق روستائی و ایلی.

«حاصل مطالعه در خصوصیات تعاونی سنتی آشکار می‌سازد، که تقریباً همه تعاونیهای سنتی بیروز و موفق بوده، در مقابل مشاهده میشود، که تعاونی رسمی و قانونی در اغلب

موارد با شکست مواجه شده است.... حقیقت این است که تعاونیهای سنتی در سطح «خود مصرفی» موفقیت و پیروزی حتمی دارند، و تعاونیهای رسمی، در سطح تجاری و بازرگانی می‌توانند، دوام و توفیق داشته باشند، که دور از اصول و هدفهای تعاون محسوب می‌گردد.

تضاد و تفاوتی که بین تعاون رسمی و سنتی دیده می‌شود، ناشی از همین است. باید دید چگونه می‌توان از اهرم تعاون سنتی برای پیشبرد هدفهای تعاون رسمی تا سرحد دریافت یک قدرت عمل و رقابت تجاری استفاده کرد؟

این بزرگترین و مهمترین مسئله‌ای است که نهضت تعاون در ایران در مقابل خود دارد، و مسئله اساسی در اینجاست که چگونه می‌توان میان تعاون سنتی و تعاون رسمی پل زد و این دورا به هم دوخت و ارتباط برقرار کرد.

برنامه‌های آینده تعاون می‌بایستی در جستجوی روشها و ابداعاتی در این زمینه باشد.^۳

«... به همین جهت ضرورت دارد بررسی‌های اکتشافی عمیقی از دیدگاه جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، و روانشناسی اجتماعی در زمینه تعاون سنتی در جامعه روستائی انجام گیرد، و با شناخت دقیق پایه‌های اساسی همکاری و تعاون سنتی در روستاها، آن را حفظ کرده، به صورت قالبهای جدید و متحول درآورد.»^۱

همچنین می‌توان از پدیده‌های گوناگون و آموزنده «باریگریها» و «تعاونیهای سنتی» در کتابهای درسی مدارس، و آموزش تعاون و همیاری از رسانه‌های گروهی، در بهینه‌کشور سود جست و از این راه، به توانبخشی و بالندگی آرمانها و اخلاق در جامعه باری کرد.

گرچه نگارنده بر این باور نیست که: «از اثرات مهم توزیع آب در جامعه روستائی ایران، پدید آمدن همکاری میان کشاورزان ایران است» چرا که معتقد است پدید آمدن عصر کشاورزی خود از تسببات همکاریهای همه جانبه انسانهای آن عصر است؛^۵ اما می توان گفت که مسئله آب و آبیاری یکی از رشته های مقاوم و نگاهدارنده «یاریگریهای سنتی» در ایران بوده است.

به هر حال «یاریگریهای سنتی» در این زمینه، فصل گسترده و زیبایی از کتاب «فرهنگ یآوری» در ایران به شمار می آید، بطوریکه هم اکنون نیز کمتر روستای متعارفی در ایران یافت می شود، که در زمینه آبیاری بین کشاورزان آن یک یا چند نوع «یآوری» وجود نداشته باشد. در این مقاله، تاجائی که

میسر بوده، سعی شده است نمونه های زنده و ملموسی از برخی صحنه های کوچک و بزرگ یاریگریهای کشاورزان ایرانی در زمینه آب و آبیاری ارائه شود. همچون بستن «بند» و «گوره»، و نوکنی منابع و نهادهای تازه آب، «آب میان»، گروههای «هم آب» و «آب بخشی»، «آب قرضی»، «تعویض آب»، «زمین قرضی» و غیره.

بر اساس آمارهایی که توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، از روستاهای نمونه منطقه به دست آمده است، از ۴۰۷ روستای نمونه، ۲۶۹ روستا در کارهای مربوط به آب و آبیاری با یکدیگر همکاری داشته؛ که این مسئله نشان می دهد اهالی در حدود ۶۶ درصد روستاهای نمونه فوق، در این زمینه با یکدیگر همکاری داشته اند. گرچه به خودی خود میزان ۶۶ درصد همکاری در زمینه

آبیاری روستاهای یاد شده، میزان کمی نیست، اما نگارنده با شناسائیهای کیفی که از روستاهای ایران دارد، درست و یا نادرست بر این عقیده است که به ویژه در مورد آبیاری، میزان «یاریگری» در روستاهای ایران با منابع سنتی بسیار بیش از این می باشد.

علاوه بر «یاریگری»های موجود بین کشاورزان هر روستا در این زمینه، گاه دامنه یاریگریها به دو یا چند روستا کشیده می شود.

«خودبازی» و «یاری گروهی» در بستن «گوراب»

یکی از شکردها و شیوه های جالبی که روستائیان یزد و کرمان و برخی از مناطق خراسان، در مبارزه با مشکل کم آبی به کار برده و می برند، تزریق و تغذیه سفره های آب زیرزمینی در نزدیکیهای «مادرچاه» و زمینهای «آبخیز» قنات است.

● «یاریگریهای سنتی» در زمینه آب و آبیاری، فصل گسترده و زیبایی از کتاب «فرهنگ یآوری» در ایران به شمار می آید؛ بطوریکه هم اکنون نیز کمتر روستای متعارفی در ایران یافت می شود که در زمینه آبیاری، بین کشاورزان آن، یک یا چند نوع «یآوری» وجود نداشته باشد.



● بر اساس آمارهائی که توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، از روستاهای نمونه منطقه بدست آمده است، از ۴۰۷ روستای نمونه، ۲۶۹ روستا در کارهای مربوط به آب و آبیاری با یکدیگر همکاری داشته‌اند؛ که این مسئله نشان می‌دهد در حدود ۶۶ درصد روستاهای نمونه فوق، در این زمینه با یکدیگر همکاری داشته‌اند.

جدول شماره ۱- میزان همکاری در زمینه آب و آبیاری در روستاهای نمونه مناطق نه گانه زیر

ردیف	نام شهرستان	تعداد کل روستاهای نمونه	تعداد روستاهائی که در مورد آبیاری همکاری داشته‌اند	درصد
۱	دره‌گر	۱۰	۳	۳۰٪
۲	بجنورد	۴۵	۲۳	۵۱/۲٪
۳	خلخال	۳۲	۱۹	۵۹٪
۴	منهد	۹۷	۵۸	۵۹/۸٪
۵	بندرعباس	۳۵	۲۵	۷۱٪
۶	مریت‌جام	۳۲	۲۱	۷۱/۲۴٪
۷	بشاگرد	۵۵	۴۰	۷۳٪
۸	سبزوار	۳۳	۲۵	۷۵/۷۵٪
۹	اراک	۶۸	۵۰	۷۳/۵۳٪
	جمع‌وسمعل	۴۰۷	۲۶۹	۶۵/۳۵٪

این روش که روزگاری تنها در مناطق کویری و یا حاشیه کویر کاربرد داشته است، امروز با حفرنابجای چاههای عمیق و نیمه عمیق خشک شدن بسیاری از چشمه‌های باستانی و قناتها، روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد.^۶

... این رویه را ایرانیان باستان از قدیم شناخته و به کار می‌برده‌اند. طرز عمل آنان از این قرار بوده است که در مسیل‌های اطراف قناتها، آبگیرهائی از سنگ و شن و قلوه سنگ یا بندهای کوچک ایجاد می‌کرده‌اند، تا بدین ترتیب از سرعت آب کاسته و مجبور به نفوذ به زمین گردد. در شهریزد به این عمل «آب‌گور» می‌گویند.

چون سرعت آب در زیر زمین بسیار کم است، لذا بدینوسیله «آب‌گور» موجبات پرآبی قناتها در فصل خشکی را فراهم می‌ساخته است، و این عمل هنوز هم در ایران رواج دارد.^۷

گردد.

«خودیاری» و «یاری گروهی» در برگردانیدن سیل در «خوانیک» بپروند

«اگر روزی باران بیارد، «میرآب» مردم ده را جمع آوری کرده، به اتفاق آب رودخانه را که پشت ده جاری است به روی قنات برمی‌گردانند، چون زیاد شدن آب قنات بستگی به این جاری شدن آب روی قنات دارد. محلی که آب را روی قنات جاری می‌کنند «کهن» نام دارد. آبی که روی کاریز برمی‌گردانند، آب رودخانه است، و تقریباً یک کیلومتر تا چاههای قنات فاصله دارد. این آب داخل چاههای قنات نمی‌شود (چنین کاری نابودی قنات را به همراه دارد)، بلکه نزدیک چاههای قنات «آب بند» درست می‌کنند. البته این «آب بند»ها را... پشت و بالای مادرچاه درست کرده‌اند و آنها را مردم «بند» و به جمع آنها «بندها» می‌گویند.^۸

بستن بند بر رودخانه اترک

بد نیست اگر پایان این بخش از نوشته را، با متن زیبایی از سندی که از سال ۱۲۳۵ ه.ق. بجای مانده بیارائیم. سند سبزی که ارزش آن به نظر نگارنده از بسیاری از کتیبه‌های خونین باستانی بیشتر است.

«در این مکتوب که سه صفحه است... و اینک یکی از احفاد «نیازبای» آن را نگهداری می‌کنند، به خط نستعلیق ولی به گویش ترکمنی نحوه بند بستن (بر رودخانه) اترک و نیز مقررات واگذاری زمین‌های قابل کشت به «نیازبای» و طایفه‌های اترکی به اجمال توصیف شده است.»^۹

«... به موجب این مکتوب، در سال ۱۲۳۵ ه.ق. طایفه‌هایی که اراضی «اترک» در حیطه آنان بود، با سرپرستی مرد ثروتمندی معسروف به «نیازبای» niyazbay «در محلی بنام «اوکزگوشن» ukkozgaycen»، بر رودخانه «اترک» بند بسته‌اند، تا آب رودخانه به جلگه‌های «اترک» که تا آن وقت چراگاه احشامشان بود سوار بشود، و قسمت‌هایی از اراضی را برای کشت که به احتمال زیاد، باید از همان وقت شالیکاری بوده باشد، سیراب کند.»^{۱۰}

و اما ترجمه این سند: در تاریخ ۱۲۳۵، سال پلنگ، که نیازبای سرحاجی یار سرپرست شد، همه «آق‌آتابای»ها را در نزدیک تپه اوکزگوشن در کنار اترک جمع کرد و اترک را بند بست و آن محل را بند حرص نام گذاشتند. بعد همه ایلات مذکور

خواستند که نیازبای فرزند حاجییار میرآب آنان بشود که لقب حرص دیگان داشت.

دویست شتر از جنگل استرآباد چهارصد چوب بزرگ آوردند. برای خوراک آدم هائی که لازم بود کار کنند، پانزده شتر و سیصد گوسفند ذبح کردند.

ریش سفیدان و کدخدایان و بزرگان طایفه ما که مقدورشان بود، در مخارج کمک کردند.

یکی شتر، یکی گوسفند، یکی پول، و یکی گاوداد. یکی نم، یکی دورلوق^{۱۱}، یکی پالنگی^{۱۲}،

یکی جوال و یکی توبره^{۱۳} انباشته از خاک را جلوبند گذاشتند. با خرج زیاد، با زحمت زیاد، با

جماعت زیاد و در وقت زیاد به بند بستن مشغول شدند. از

وسيله ها و اسباب آلاچیق جلوبند زیاد ریختند و عاقبت موفق شدند و آب پشت بند جمع شد و به

اراضی سرریز کرد. بعد هم زمین های آق آتابای را تقسیم کردند، و از هر هفت

قسمت یکی به نیاز میرآب فرزند حاجییار واگذار شد. بعد جماعت

خواستند که نیاز میرآب آن عده ای را که در مخارج کمک کرده بودند، راضی کند. و نیاز میرآب

هم به آنهائی که در مخارج کمک کرده بودند، به نسبت کمکهایشان مقداری از

زمین هایش را داد تا راضی شدند.^{۱۳}

بعد از آن، برای حق تقسیم آب لازم بود که ریش سفید انتخاب می کردند و گفتند که به ریش سفید باید دو سهم واگذار

شود. بعد هر طایفه ای برای خود

ریش سفیدی انتخاب کرد. و پس از آن، ریش سفیدان طایفه ها سهم زمین طایفه هایشان را گرفتند و به افراد طایفه تقسیم کردند و به کار پرداختند...»^{۱۴}

مآخذ و توضیحات:

(۱) درباره دیگر انواع «یارگیری» در ایران و نمونه هائی از آن ن. ک. به:

«گونه شناسی» یاریگیریها و تعاونی های سنتی در ایران، کیهان فرهنگی، سال دوم، ش. ۱ (دیماه ۶۴):

«همیاریها و تعاونیهای سنتی در زمینه آب و آبیاری»، ماهنامه زیون، ش ۳۷ و ۴۴ و ۴۵:

«عروسی آب»، ماهنامه آبیاریان، ش ۵، اردیبهشت ماه ۱۳۶۴:

جوسی روبی و بیسل گردانی «درنیمه و محلات» نامه فرهنگ

ایران، بهار ۶۴، بنیاد نیشابور:

فرهنگ یاری در کشتکاری، ماهنامه جهاد، سال ششم، ش ۸۳ و ۸۴ و ۸۵. از همین قلم و منابع معرفی شده در این مقالات

(۲) — positive ... tRansfer. مهدی هاشمی — کافلم ودیعی.

(۳) — نهفت تعاونی در ایران. تهران ۱۳۵۵. ص ۹۶ — ۹۷

(۴) — علی اکبر نیک خلق. جامعه شناسی روستائی ایران. تهران ۱۳۵۸. پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران. ص ۶۲.

(۵) — یعنی یاریگیریهای موجود پیش از دوران کشاورزی در اثر «انتقال مثبت فرهنگی» از سایر مواضع به حوزه کشاورزی سرایت کرده است.

(۶) — برای مطالعه بیشتر در این زمینه ن. ک. به: (۴). تنظیم و افزایش آبدی قنات منطقه نفت و نتایج حاصل از آن. ماهنامه زیون ش ۳۷، مرداد ماه

۱۳۶۳. ص ۴۰ و ۴۱. (۷) — عنایت اله رضا و دیگران. آب و فن آبیاری در ایران. تهران، ۱۳۵۰. وزارت آب و برق، ص ۱۶۱.

(۸) — از یاد داشت پژوهشگر گرامی آقای فیروز منصوری از آرشیو فرهنگ مردم صدای جمهوری اسلامی ایران، و از نامه آقای غلام حسین حامدی.

(۹) — و (۱۰) — هوشنگ پور کریم، «اینچه برون». هنر مردم، ش ۷۱، ۱۳۴۷. ص ۴۶.

(۱۱) — نام یکی از قطعات نمادی است، که دورآچیق را از بیرون می پوشاند.

(۱۲) — نام «پالنگی» یا «آلنگی» نام پارچه پیشانی بند زنان ترکمنی است.

(۱۳) — هوشنگ پور کریم. همان منبع، ص ۴۶ و ۴۷ و ۴۸. این مقاله بنا تصویر از سند یاد شده همراه است. (۱۴) — هوشنگ پور کریم. همان ص ۴۸.

